

Abstract

Civil liability is one of the ways of compensation that is considered today in both civil and criminal matters as a guarantee. Hence, it raises huge questions about what it's like for bank employees or executives as legal entities. For example, if the customer lends his cash or other movable deposits to the bank, and if he returns and requests cash or any other deposit, he encounters an obstacle and for some reason the cash is lost or is not available for any reason, and this case Due to the negligence of the bank and its employees, it should be examined who is responsible for the civil liability (whether legal or real); In this case, issues such as the rules governing civil liability as well as topics such as fault, loss, loss, civil liability, conditions and characteristics of liability governing banks, etc. are discussed. Therefore, stating all the elements of civil liability as well as its types regarding the liability of banks to the customer is one of the basic necessities now that we will first express the concepts and background and then the fault of bank employees and the rules of liability and full and reasonable compensation. Customers are paid by the bank.

Keywords: responsibility, bank employees, judicial procedure

ماهنامه علمی (مقاله علمی_ پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره نهم، آذر ۱۴۰۱، صص ۱۵۱۱-۱۴۹۸
<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.341719.3447>

بررسی و تحلیل مسئولیت کارمندان بانک در رویه قضایی

بختیار وطنی اجیرلو^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

علیرضا رجب زاده اصطهباناتی*^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳

علیرضا مظلوم رهنی^۳

چکیده

مسئولیت مدنی به عنوان یکی از راه‌های جبران خسارت است که امروزه چه در مسائل حقوق مدنی و چه در مسائل جزائی با عنوان ضمان مطرح است. از این رو در خصوص اینکه این مسئله در باب کارمندان و یا مسئولین بانک‌ها به عنوان اشخاص حقوقی چگونه است، مسائل عظیمی را در خود گنجانده است. در فرض مثال اگر مشتری وجه نقد یا سایر سپرده‌های منقول خود را در نزد بانک به امانت بگذارد و در صورت رجوع و درخواست وجه نقد یا هر سپرده‌ی دیگری با مانع روبه‌رو شود و به دلایلی وجه نقد مفقود شده یا به هر دلیلی موجود نباشد و این مورد از اهمال بانک و کارمندان آن باشد، باید بررسی نمود که مسئولیت مدنی متوجه چه شخصی (اعم از حقوقی یا حقیقی) است؛ در این صورت است که مباحثی همچون قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی و همچنین عناوینی همچون تقصیر، ضرر، زیان، مسئولیت مدنی، شرایط و اوصاف مسئولیت حاکم بر بانک‌ها و غیره مورد بحث قرار می‌گیرند. علی‌هذا بیان همه‌ی عناصر مسئولیت مدنی و همچنین انواع آن در خصوص مسئولیت بانک‌ها در قبال مشتری از ضروریات اساسی حال حاضر است که ما ابتدائاً به بیان مفاهیم و پیشینه خواهیم پرداخت و سپس به تقصیر کارمندان بانک و قواعد مربوط به مسئولیت‌پذیری و جبران کامل و معقول خسارت مشتریان از سوی بانک می‌پردازیم.

کلمات کلیدی: مسئولیت، کارمندان بانک، رویه قضایی

^۱ گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی bwataniajirloo@gmail.com

^۲ مدعو، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی

alirezazarajabzade@gmail.com

^۳ گروه حقوق، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس

dr.mazloom14@yahoo.com

باید اذعان داشت که امروزه جامعه ما با تمام دشواری های دنیای صنعتی عجین گشته و تحولی عظیم در ساختار اقتصادی، فرهنگی و صنعتی جامعه بوجود آمده است. این تحول صنعتی، تکامل نهادهای حقوقی را نیز ضروری ساخته و به تبع آن ذهن اندشمندان حقوقی را برای روبرو شدن با این مشکلات به خود مشغول داشته است. شاید این نیاز در بخش مربوط به حقوق قراردادهای کمتر احساس شود لیکن، حقوق مسئولیت مدنی که زاید، پیشرفت های علمی و صنعتی قرون اخیر است (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۳۰). همگام با این تحولات علمی و تغییرات اجتماعی باید متحول شود. دامنه مسئولیت مدنی گاهی فراتر از تنظیم روابط دو نفر با یکدیگر یا با دیگران است. گاهی نیز حوادثی رخ می دهد که حل و فصل روابط اصحاب دعوی با تکیه بر مقررات موجود امکان پذیر نیست. برای اینکه بتوانیم در مقابل این تغییر و تحول دائمی عکس العمل منطقی و مناسب داشته باشیم، از مطالعه روند کلی تحول مسئولیت مدنی و تحقیق و بررسی پیرامون راه حل هایی که کشورهای صنعتی ارائه داده اند، بی نیاز نیستیم. در همین راستا، راجع به شرایط متفاوتی که حاکم بر اعمال و اجرای مسئولیت مدنی است، در کشورهای دیگر مباحث بسیاری در گرفته است. از طرفی، تعیین آثار مسئولیت مدنی تا حدی قابل توجه وابسته به مفهوم فعل زیانبار است. به همین خاطر، نتایج بسیاری از مباحث حقوقی در نحوه پاسخ به این سؤالات نهفته است که آیا فعل زیان بار تنها با توسل به مفهوم تقصیر منجر به مسئولیت می شود؟ تا چه اندازه ای باید نظریه خطر و لطمه به یک حق اساسی را جهت شناسائی افعال زیان بار مورد توجه قرار داد؟ این بحث بیش از یک قرن است که ذهن اندشمندان حقوقی و رویه قضائی را به خود مشغول کرده است.

همچنین، تحول در مفهوم خسارت، اختلاف نظرها و مشکلاتی قابل توجه را دامن زده است. آیا خسارت فقط به عنوان لطمه به یک حق یا به یک منفعت ساده تعریف می شود؟ چه منافی شایسته حمایت بوده و لطمه به آن، می تواند مبنای مسئولیت مرتکب فعل زیانبار قرار گیرد؟ آیا هر نوع خسارتی، حتی خسارت اقتصادی (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۹۸) یا معنوی قابل جبران است؟ یا این که بایستی بنا به ملاحظات اقتصادی و حتی اخلاقی، برخی محدودیت ها در قابلیت جبران خسارت ایجاد شود؟ بحث در خصوص این موارد در طول قرن بیستم به اوج خود رسیده است.

علاوه بر مفاهیم ضرر و فعل زیان بار، راجع به رابطه سببیت نیز مطالعات متعددی صورت گرفته و جهت احراز آن مفاهیم و تئوریهای مختلف مطرح شده است. لیکن، نه تنها هیچیک از این نظریات به طور کامل و انحصاری به کار گرفته نشده، بلکه همگی به شکل گیری راه حل های کاملاً پیچیده و اختلافی منجر شده اند. به این ترتیب، شرایط مسئولیت، مدت ها است صحنه مباحثات را به خود اختصاص داده است. در مقابل، آثار مسئولیت، کمتر

مورد بحث قرار گرفته است. در واقع، تا پایان قرن بیستم تنها به یک مفهوم نسبتاً ساده در رابطه با اثر مسئولیت مدنی، که همانا جبران خسارت بوده، اکتفا شده است. اما، امروزه معلوم شده که این نگرش، سطحی بوده و باید به سایر نقش های مسئولیت مدنی، همانند پیشگیری، وادار کردن مسئول به انصراف از استمرار فعل زیانبار و حتی اعاده وضعیت زیان دیده به حالت قبل از وقوع خسارت نیز جایگاهی اختصاص داده شود.

در مورد جبران خسارت نیز تأملات و انتقادات زیادی مطرح شده است. این واقعیت آشکار شده است که اعمال نهاد جبران خسارت در خصوص بعضی از خسارات، بویژه خسارت های بدنی و مجموعه خسارات جمعی با گروهی، متضمن آثاری غیر قطعی و نابرابر است. از این رو، انجام اصلاحاتی در خصوص این نهاد حقوقی ضروری به نظر می رسد برخی از اصلاحات یاد شده ممکن است به سادگی از تحولات رویه قضائی کشورهای مورد مطالعه حاصل شود. به عنوان مثال، رویه قضایی می تواند مراجعه به اشکال متفاوتی از جبران خسارت غیر مالی همانند دستور به انجام کاری خاص با ممانعت از فعالیت غیرقانونی را تجویز کند. (باریکلو، ۱۳۹۲، ۳۳)

مسئولیت مدنی در حقوق ایران

مسئولیت مدنی را به دو دسته مهم تقسیم کرده اند: قراردادی و خارج از قرارداد. مسئولیت قراردادی در نتیجه اجرا نکردن تعهدی که از عقد ناشی شده است به جود می آید. (باریکلو، ۱۳۸۵، ۶۹). به بیان دیگر، مسئولیت قراردادی عبارت از تعهدی است که در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی برای اشخاص ایجاد می شود. بر عکس در جاهایی که دونفر هیچ پیمانی باهم ندارند و یکی از آن دو، به عمد یا به خطا به دیگری زیان می رساند، مسئولیت را غیر قراردادی یا خارج از قرارداد می نامند در این بین مهم ترین و پیچیده ترین نوع مسئولیت، مسئولیت غیرقراردادی یا قهری است که یکی از عوامل موجد مسئولیت غیر قراردادی اتلاف است. اتلاف یکی از موجبات مسئولیت مدنی معرفی شده است و در فقه اسلامی داری منبع روایی است و به عنوان یک اصل مهم در حمایت از حقوق زیان دیده در حقوق موضوعه و قراردادها پذیرفته شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۴، ۲۵). بانک ها، اعم از دولتی و خصوصی به عنوان یکی از مهمترین موسسات تجاری در بخش اقتصادی، با تجهیز منابع از طریق جذب سپرده های مردم و با هدف کسب و تحصیل سود، مبادرت به سرمایه گذاری یا اعطای تسهیلات و ارائه خدمات مالی به مشتریان خود می نمایند. گسترش و فزونی روابط اقتصادی و نیاز غیرقابل انکار مردم به این موسسات ایجاب می نماید که روابط حقوقی این موسسات با مشتریان آنها، که می تواند هر شخص حقیقی و یا حقوقی (اعم از دولتی و خصوصی) باشد به دقت مورد بررسی قرار گیرد. یکی از مسائل قابل توجهی که در

تمامی روابط حقوقی مد نظر قرار می‌گیرد انواع مسئولیت‌هایی است که افراد نسبت به یکدیگر دارند، که یکی از مهمترین آنها مسئولیت مدنی می‌باشد. ممکن است بانک‌ها در راستای انجام وظایف محوله موجب ورود ضرر و زیان به مشتری گردند و متضرر، درصدد یافتن راهی برای جبران خسارت وارده برآید، بسته به اینکه خسارت وارده ناشی از قرارداد منعقد شده بین بانک و مشتری باشد یا خارج از آن قرارداد حادث گردد، روش‌های جبران آن متفاوت است. منابع مسئولیت مدنی بانک در مقابل مشتریان، قوانین و مقررات عام و خاص از جمله بند ج ماده ۳۵ قانون پولی بانکی کشوری باشد. مسئولیت متقابل بانک و مشتری فروض مختلفی دارد از جمله اینکه؛ اگر عملیات بانک و کارکنان وی موجب ورود خسارت به مشتری گردد منبع تأمین خسارت چه کسی است و دیگر اینکه خود مشتری به عنوان استفاده‌کننده از خدمات بانکی در حالت قراردادی و غیر قراردادی چه مسئولیتی دارد. بانک ممکن است به دلیل فعل کارمندان خود و یا عاملی که دفع آن خارج از اقتدار وی و غیر قابل پیش‌بینی بوده مسئول تلقی نشود. بر حسب اینکه بانک، دولتی یا خصوصی باشد بدون در نظر گرفتن ماده ۳۵ قانون پولی بانکی کشور و حاکمیت قوانین خاص در بانک دولتی و خصوصی، مسئولیت متقابل بانک و مشتری و نحوه جبران خسارت متفاوت خواهد بود. (صادقی مقدم، ۱۳۹۰، ۲۴۹)

مسئولیت مدنی در حقوق انگلیس

به طور کلی در انگلستان می‌توان انواع مسئولیتهای مدنی را به سه دسته تقسیم نمود: «مسئولیت ناشی از بی احتیاطی»، «مسئولیت ناشی از عمد» و «مسئولیت بدون تقصیر». با این وجود بعضی حوزه‌های مسئولیت مدنی را نمی‌توان زیر مجموعه‌ی واقعی هیچ‌یک از سه دسته فوق قرار داد. مثلاً «مسئولیت مدنی ناشی از کالاها» را می‌توان تلفیقی از مسئولیت‌های بدون تقصیر و مسئولیت‌های ناشی از بی احتیاطی دانست. " یا برای مثال در حقوق انگلستان خسارات ناشی از سوانح و تصادفات رانندگی را زیر مجموعه‌ی مسئولیت‌های ناشی از بی احتیاطی در نظر می‌گیرند حال آنکه سازگاری قواعد حاکم بر آن با مسئولیت‌های بدون تقصیر بیشتر است. (امینی، نوعی، ۱۳۹۲، ۴۵)

البته شاید در ظاهر امر بتوان دو دسته‌ی مسئولیت‌های ناشی از بی احتیاطی و مسئولیت‌های ناشی از عمد (در حقوق انگلستان را در یک گروه مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر قرارداد، اما برای سهولت و دقت بیشتر در بررسی و تحلیل موضوعات، چنین تقسیم‌بندی در حقوق انگلستان و آمریکای کنونی مدنظر قرار گرفته است. البته در

حقوق آمریکا، بر خلاف حقوق انگلستان، این تقسیمات با صراحت بیشتری مطرح می شوند. با این وجود نظر مخالفی هم وجود دارد و برخی از حقوقدانان برجسته ی کامن لا، از جمله، اولیور وندل هولمز مسئولیت ها را در دو دسته ی مسئولیت های مبتنی بر تقصیر (اعم از عمد و بی احتیاطی) و مسئولیت های بدون تقصیر بررسی نموده اند."

ویژگی مشترک هر سه دسته ی کلی مسئولیت آن است که همگی در جهت حمایت از منافع زیان دیده گام بر می دارند. با این وجود تفاوت هایی کلی بین این دسته ها وجود دارد: برای مثال مسئولیت های ناشی از بی احتیاطی، غیر منسجم ترین حوزه ی حقوق مسئولیت مدنی آمریکا و انگلستان محسوب می شود، در حالی که مسئولیت ناشی از عمد، منسجم ترین حوزه بوده و مسئولیت بدون تقصیر نیز، حد وسط این دو می باشد (نه هم چون بی احتیاطی غیر منسجم است و نه هم چون عمد، سازمان یافته و منسجم). یا مباحث مربوط به عملکرد متعارف و معقول اشخاص (یا شخص معقول و متعارف، به عنوان الگویی برای رعایت احتیاط و مراقبت لازم و اجتناب از ورود زیان به غیر) بیشتر در مسئولیت های ناشی از بی احتیاطی مطرح می گردد نه مسئولیت ناشی از عمد یا بدون تقصیر. با این وصف در مسئولیت های بدون تقصیر و ناشی از عمد نیز می توان رد پای از معیار معقول و متعارف بودن را مشاهده نمود. همچنین در مسئولیت های بدون تقصیر بحث وجود تکلیف در رعایت احتیاط و مراقبت مطرح نمی شود، در حالی که در بی احتیاطی «تکلیف» امری است غیر قابل اغماض و در مسئولیت های عمدی هم به صورت ضمنی و تلویحی وجود دارد. از دیگر تفاوت های موجود آن است که مسئولیت ناشی از بی احتیاطی نه هم چون مسئولیت های عمدی ذاتا خطاست و نه همانند مسئولیت های بدون تقصیر، به دلیل مخاطره آمیز بودن، خطریا ریسک به وجود آمده، بلکه عملی است مشروع که صرفا به دلیل بی دقتی و بی توجهی مرتکب، مسئولیت به بار آورده است. بنابر این در مسئولیت های ناشی از عمد و مسئولیت های بدون تقصیر، تکلیف یا سیاه است و یا سپید؛ در حالی که در بی احتیاطی تکلیف به رنگ خاکستری است و به قول کاردوزو، نیازمند بررسی فاکتورهای چندگانه ای چون منطق، عرف، سنن و جامعه شناسی.

مبنای مسئولیت مدنی

مبنای مسئولیت مدنی در حقوق اروپا، تقصیر عامل زیان یا خطری که ایجاد نموده یا تضمین قانونگذار در حمایت از حقوق اشخاص است هر یک از این سه نظریه، اگر چه بخشی از حقیقت را با خود به همراه دارد، ولی نتوانسته است به تنهایی به عنوان مبنای منحصر مسئولیت پذیرفته شود.

مبانی مسئولیت مدنی در قانون مدنی متأثر از حقوق اسلام است ولی پس از قانون مدنی قوانین دیگری از جمله قانون مسئولیت مدنی و قانون بیمه اجباری و سائل نقلیه موتوری زمینی با تاثیر گرفتن از قوانین اروپایی به تصویب رسیده و پس از انقلاب نیز مجدداً قوانینی با الهام گرفتن از حقوق اسلامی به فرهنگ حقوقی ایران ضمیمه شده است بنابراین می توان گفت حقوق مسئولیت مدنی در ایران آمیزه ای از حقوق اسلام و اروپاست. (سعادت مصطفوی، پایکاری، ۱۳۹۶، ۱۶۴) در ذیل به بررسی نظریه تقصیر، خطر و تضمین و نظریه ها در حقوق انگلستان و فرانسه پرداخته شده است که به شرح ذیل است.

نظریه تقصیر

براساس این نظریه، مسئولیت دولت و اشخاص، صرفاً در صورتی قابل طرح است که آنان در انجام عمل خسارت بار و زیان آور، مرتکب تقصیری گردیده باشند. طبق نظریه تقصیر، تنها دلیلی که میتواند مسئولیت کسی را در مورد جبران خسارت توجیه کند، وجود رابطه علیت یا سببیت تقصیر او و ضرر وارده است. بر این اساس، خواهان برای دریافت خسارت باید ثابت کند خوانده با ارتکاب تقصیر، زیانی به وی وارد کرده است. (میرداداشی، ۱۳۹۳، ۴۴) قانونگذار در مواد ۳۳۱ و ۳۳۵ ق.م. نظریه تقصیر را قبول کرده است؛ زیرا رکن اساسی مسئولیت را تقصیر و مسامحه و عمد قرار داده است. قانون مسئولیت مدنی نیز در غالب موارد متکی به نظریه تقصیر است.

نظریه خطر

مطابق این نظریه، برای مسئول دانستن شخص، نیازی نیست که در انجام عمل خسارت بار، مرتکب تقصیری شده باشد، بلکه همین که از عمل خطر آفرین او خساراتی به بار آید، خواه در انجام آن عمل مرتکب تقصیر شده یا نشده باشد، مسئول بوده و باید خسارت وارده را جبران کند. (میرداداشی، ۱۳۹۳، ۴۳).

به موجب ماده ۳۲۸ قانون مدنی که عامل زیان را به هر حال، خواه در ایجاد خسارت تقصیر داشته یا نداشته باشد، ضامن و مسئول جبران خسارت می داند، می توان این ماده را مبتنی بر نظریه خطر تفسیر کرد. همچنین در ماده نخستین قانون بیمه اجباری شخص ثالث، مصوب دی ماه ۱۳۴۷، آمده است: کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی ... مسئول جبران خسارات بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور به اشخاص ثالث وارد شود و مکلف هستند مسئولیت خود را از این جهت بیمه نمایند بنابراین می توان گفت که قانونگذار در ماده نخست قانون بیمه اجباری شخص ثالث به نظریه ایجاد خطر توجه داشته است، زیرا که حکم کلی و منجز و

بدون قید و شرط مذکور در ماده فوق بیانگر تضمین و جبران خسارت‌های بدنی و مالی وارده به اشخاص زیان‌دیده است.

شایان ذکر است، پذیرش خطر به عنوان یکی از علل معافیت از مسئولیت مدنی از قدمتی طولانی در حقوق انگلیس و فرانسه برخوردار است و هریک به فراخور ساختاری که دارند قلمروی آنرا بسط داده اند یا تحدید کرده اند. پذیرش خطر در دعاوی انگلیس به عنوان دفاع «وَلْتی» مطرح می شود و در حقوق فرانسه به «تئوری پذیرش خطر» مشهور است. در حقوق ایران به طور صریح به این تئوری در قوانین یا آرای قضایی اشاره ای نشده است، ولی ردپایی از این تئوری را در قالبی دیگر می توان در فقه و احکام اسلامی و قوانین و آراء قضایی مشاهده کرد. (السان، ۱۳۹۲، ۷۷)

نظریه تضمین حق

به موجب این نظریه، هر کس در جامعه حق دارد که سالم و ایمن زندگی کند و از اموال خود سود ببرد. این حق بوسیله قوانین حمایت شده است و ضمانت اجرای این حمایت، مسئولیت مدنی متجاوز است؛ همه وظیفه دارند که به حقوق دیگران احترام گذارند و ایمنی دیگران را به خطر نیندازند. همین که حقی از بین برود باید به وسیله تلف کننده آن جبران شود (مقدادی، ۱۳۹۳، ۱۳۳)

نظریه تقصیر و ایجاد خطر، هر دو مبالغه آمیز به نظر می رسد. نمی توان ارتکاب تقصیر را مبنای منحصر مسئولیت مدنی شمرد. زیرا گاه عدالت ایجاب می کند که کسی متحمل ضرر شود که مقصر نبوده است؛ چنان که در روابط کارگر و کارفرما، هیچ کس نمی تواند منکر این حقیقت شود که کارفرما برای تحمل زیانهای ناشی از کار مناسب تر از کارگر است. همچنین، بطور کلی نباید شخص را مسئول خساراتی شناخت که از فعالیت های مشروع او به بار آمده است. زیرا معقول به نظر نمی رسد که ضرورتهای زندگی اجتماعی ندیده گرفته شود و مسئولیت بر پایه هیچ اصل اخلاقی قرار نگیرد. به دشواری می توان داوری عموم را در بند نظریه خاصی محدود کرد. این نکته را به عنوان اصل می توان پذیرفت که هر کس در گرو خطاهای خویش است و باید زیان ناشی از تقصیر خود را بپردازد. ولی، نباید این اصل را تغییر ناپذیر و مطلق شمرد. آنچه اهمیت دارد این است که ضرر نامشروعی جبران

نشده باقی نماند و همه گفتگوها در این است که در چه مواردی باید ضرر را نامشروع به شمار آورد. به طور خلاصه، نمیتوان هیچ یک از نظریه های ابراز شده را به عنوان مبنای منحصر مسئولیت مدنی پذیرفت و بر پایه آن نظام عادلانه ای ایجاد کرد. ولی، حقیقتی که در تمام آنها نیز وجود دارد انکار ناپذیر است. آنچه اهمیت دارد رسیدن به عدالت است و ابزارهای منطقی تنها وسایل راه گشایی به این هدف است. (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۲۱۲)

به دیگر سخن؛ قانون ما در بعضی از زمینه ها نظریه تقصیر را قبول کرده و در برخی از فعالیت ها به ویژه در مسائل مربوط به حوادث کار و حوادث رانندگی، نظریه خطر و نظریه تضمین اجتماعی یا نظریه تضمین حقوق افراد را برگزیده است. در واقع آنجا که نفع عموم مورد نظر است و مسائل حمایت اجتماعی به نحو حادثی مطرح می شود مسئولیت مدنی متکی بر نظریه خطر مورد قبول واقع شده است

سیاست قضایی در مسئولیت مدنی

نقش سیاست قضایی در مسئولیت مدنی حقوقدانان عادت دارند که با مفاهیمی نظیر وظیفه مراقبت و محافظت، بعید و غیرمستقیم بودن خسارات و تقصیر و غیره موضوع مسئولیت مدنی را مورد بحث و بررسی قرار دهند. هنگامی که پرونده ای با این اصطلاحات مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و رأی صادر می شود که مسئولیتی وجود ندارد زیرا وظیفه مراقبت و محافظت وجود نداشته یا خسارت مستقیم نبوده یا تقصیری متوجه خواننده نبوده است معمولاً به عنوان مفاهیم رسمی قانونی با اصول کلی مقبول دادگاه که بعضاً در قانون موضوعه درجه گردیده، ارجاع داده می شود.

اما آنچه که غالباً ناگفته می ماند دلیل و فلسفه ماورای تصمیم فوق است. هرچند که حقوقدانان باید قوانین و مقررات موضوعه را که عمده ترین بحث این کتاب است بدانند لیکن مفهوم و تصویر واضحی از آن تصمیم به دست نمی آید مگر اینکه خواننده از فلسفه این موضوعات که باعث شکل گیری تصمیم شده مطلع باشد. دوباره به مثالی که در بالا ذکر شده توجه نمایید، تا بیان موضوع روشن تر شود:

دادگاه حق انتخاب راه حل قرار دادن ضرر و زیان بر دوش مالک کارخانه را در پیش رو دارد، بدین وسیله که عنوان نماید راننده بیل مکانیکی مسئول نیست یا اینکه اصولاً او را مسئول بشناسد. تصمیم دادگاه مثلاً این گونه توجیه می شود که راننده بیل مکانیکی نسبت به برخی از خسارات وظیفه ای نسبت به مالک نداشته یا برخی از ضرر و زیانهای وارده بسیار بعید یا غیرمستقیم می باشند اما همین تصمیم را می توان این گونه توجیه و تفسیر کرد که دو دلیل و فلسفه در ورای آن نهفته است. دادگاهها نگران مفتوح نمودن راه های طرح دعاوی فراوان هستند، مثل موردی که قطع کابل برق، باعث قطع جریان الکتریسیته به پنجاه کارخانه باشد، یک موضوع کاملاً

مرتبط با این موضوع نقش بیمه است. غالباً خسارات ناشی از مسئولیت مدنی توسط شرکت بیمه پرداخت می شود. تصمیم دادگاه به عنوان یک اخطار به شرکت ها می باشد و مشخص می نماید که چه کسی مسئول بیمه کردن خطرات احتمالی است. ممکن است فلسفه تصمیم مذکور این باشد که به نظر دادگاه چه کسی در موقعیت مناسب تری برای بیمه کردن خطرات است.

در گذشته معمول نبوده است که قضات در موقع صدور حکم به فلسفه حکم خود اشاره ای داشته باشند ولی هم اکنون به طور روز افزونی تمایل بدین کار را دارند. استدلال های مرتبط با تجویز یا عدم تجویز طرح دعوی در توسعه قوانین، به ویژه راجع به شک های عصبی و خسارات اقتصادی ناشی از بی احتیاطی و بی مبالاتی در توسعه حقوق غلبه داشته است. (نصیری، ۱۳۹۰، ۶۵)

مسئولیت کارمندان در رویه قضایی

رأی دادگاه بدوی

در خصوص دعوی ع.ج. به طرفیت بانک ملی ایران اداره امور شعب غرب تهران به خواسته تقاضای مطالبه وجه به مبلغ ۱۷۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال، بابت دفترچه سپرده کوتاه مدت ... به انضمام خسارات دادرسی، به استناد تحقیقات از بانک های ملی شعبه خیابان ح. کد ...، خیابان خ. کد ...، خیابان ک. کد ...، خیابان ک. کد ... و شهادت کاربران بانک و پرونده کلاسه ۱۴۰۱۰۰/۱۲۷ دادسرای ناحیه ۱۰ تهران و نامه شماره ۳۱۱۹۰ - ۹۰/۰۹/۰۳ و فتوکپی دفترچه سپرده کوتاه مدت بدین شرح: شخصی با ارائه دفترچه جعلی و ارائه کارت ملی شخصی به نام ع.الف. متولد ۱۳۵۶ با کد ملی ... از حساب سپرده بنده در چهار مرحله از چهار شعبه متخلف بانک ملی مبلغ خواسته برداشت شده است و پرداخت ناشی از سهل انگاری کارمندان بانک بوده است چون که امضاء جعلی بوده و ع.الف. نیز در بازپرسی حاضر و از وی تحقیق که مشخص گردیده کارت ملی وی مفقود شده است و نامبرده فردی ۳۴ ساله بوده در حالی که بنده ۵۱ ساله بوده و این امر به راحتی قابل تشخیص بوده و در ظهر فیش پرداختی تماماً مشخصات ع.الف. قید شده است و در پرونده کیفری جهت اثبات جعلیت به اداره تشخیص هویت ارسال اما پاسخ واصل نگردید و پرونده کیفری هنوز مفتوح و شخص برداشت کننده هنوز شناسایی نشده است و از خرداد ماه ۹۰ سود قطع شده و در حال حاضر خواسته مطالبه اصل وجه به انضمام خسارت دادرسی مورد استدعاست. نماینده خوانده در مقام دفاع بیان ضمن ایراد به خواسته مبنی بر این که بهای خواسته در متن با ستون خواسته مغایرت دارد و به لحاظ عدم تقویم و ابطال تمبر هزینه دادرسی به استناد بند ۳ ماده ۵۱ قانون آیین

دادرسی مدنی قابلیت استماع ندارد و اما در ماهیت برابر گزارش بازرسی بانک دلایلی مبنی بر اینکه شخص دیگری غیر از خواهان وجوه را دریافت نموده باشد وجود ندارد زیرا فرد گیرنده به هنگام مراجعه به شعبه هم دفترچه و هم کارت ملی را به همراه داشته و متصدیان پس از دریافت دفترچه و کارت ملی و با احراز هویت و اخذ امضاء از مشارالیه و مطابقت با عرف بانکداری اقدام به پرداخت مبالغ درخواستی نموده‌اند و خواهان شکایت کیفری به کلاسه ۱۴۰۱۰۰/۱۲۷ در شعبه ۷ بازپرسی دادسرای ناحیه ۱۰ تهران نموده و مطرح رسیدگی و به استناد ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی رسیدگی به دعوی منوط به اثبات ادعائی است که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری باشد دادرسی باید متوقف شود فلذا به لحاظ عدم کوتاهی از جانب بانک دعوی متوجه بانک نبوده رد آن مورد استدعاست. با رد ایراد نماینده خواننده نسبت به تقویم خواسته و ابطال تمبر هزینه دادرسی، دادگاه با التفات به مراتب فوق و گزارش مورخ ۱۳۹۰/۰۳/۲۲ بازرسی اداره امور شعب غرب تهران که تأیید نموده که مبلغ خواسته توسط فرد ناشناسی با به همراه داشتن دفترچه و کارت ملی به نام صاحب حساب از حساب سپرده ... برداشت شده و چون مبلغ خواسته کمتر از پنجاه میلیون ریال بوده از مسئولین شعبه امضاء اخذ نشد و همچنین به دلیل پیغام عدم مطابقت مانده رایانه با دفترچه نیز موفق به ثبت چاپ و بروز رسانی دفترچه نیز نگردیده‌اند که در این خصوص تذکراتی داده نشد لیکن سوء نیتی از جانب متصدیان امور بانکی در پرداخت اسناد مذکور مشاهده نگردید علی‌ای حال نحوه دسترسی فرد سوء استفاده کننده به اطلاعات حساب و امضاء صاحب حساب جای تأمل دارد و چون شعبات فاقد دوربین مدار بسته می‌باشند، شناسائی فرد مراجعه کننده نیز برای بانک امکان‌پذیر نمی‌باشد و حسب پاسخ مرکز تشخیص هویت پلیس آگاهی تهران بزرگ به شماره ۱۷۱۷/۱۹/۶۰۷۹/۴/۶۰۷۷۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۰۹ امضائات مندرج در متن و ظهر ۵ فقره فیش بانکی با امضای خواهان اختلاف داشته و مطابقت ندارند و در نتیجه سهل‌انگاری کارمندان و متصدیان بانک در پرداخت وجه محرز و مسلم است زیرا فرد دریافت کننده ۳۴ ساله و با کارت ملی شماره ... با امضای مغایر با مشخصات صاحب حساب و امضای مغایر مبادرت به برداشت وجه شده درحالی که صاحب حساب فردی ۵۱ ساله با کد ملی ... و امضای متفاوت بوده و بر حسب ظاهر جسمانی فرد ۳۴ ساله با ۵۱ ساله تفاوت بسیار وجود دارد و همان‌گونه که بازرسی بانک در گزارش خود اعلام نموده مسلماً به حساب دارنده صاحب حساب دسترسی داشته که علی‌رغم مغایرت مشخصات سجلی و کارت ملی و شرایط جسمانی، امضای شبیه امضاء صاحب حساب در ظهر و متن فیش بزند و از میزان موجودی آن مطلع شود و با دفترچه جعلی توانسته وجوه مذکور را از حساب خواهان برداشت کند و در نتیجه بانک قانوناً بر طبق بند ج ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی مصوب ۵۱/۰۴/۱۸ با اصلاحات بعدی، بانک در مقابل خساراتی که در اثر عملیات آن متوجه مشتریان می‌شود مسئول و متعهد به جبران خواهد بود. فلذا دادگاه دعوی خواهان را وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی و مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی خواننده را به پرداخت مبلغ ۱۷۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۳/۵۹۰/۰۰۰ ریال بابت خسارات دادرسی درحق

خواهان محکوم می‌نماید. رأی صادره حضوری و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد. (میرشکاری، ۱۳۹۲، ۳۹)

رئیس شعبه ۱۸۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران - نیک بخش

رأی دادگاه تجدیدنظر استان

تجدیدنظرخواهی بانک ملی ایران به طرفیت آقای ع.ح. نسبت به دادنامه شماره ۱۰۶۳ مورخ ۹۰/۱۲/۲۸ شعبه ۱۸۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران می‌باشد که به موجب آن حکم به پرداخت ۱۷۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال صادر گردیده وارد و موجه و صحیح نمی‌باشد. زیرا برداشت از حساب تجدیدنظرخوانده طی قبوض بانکی و پرداخت آن به ثالث محرز است و تجدیدنظر خوانده متضرر گردیده. رأی صادره شعبه بدوی صحیحاً و منطبق با موازین قانونی صادر و به نظریه مرکز تشخیص هویت پلیس آگاهی تهران بزرگ اتکا دارد. مشتری استحقاق مطالبه و دریافت وجوهی که از حساب ایشان برداشت گردیده، دارد. بر مبانی استنباطات و مستدللات و مستندات قانونی دادنامه صادره اشکال و خللی وارد نیست. تجدیدنظرخواهی واصله در حدی نمی‌باشد که بتواند موجبات نقض رأی فراهم نماید و با هیچ‌یک از جهات مندرج در ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی انطباقی ندارد و به استناد ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی حکم دادگاه بدوی عیناً تأیید می‌گردد. این رأی قطعی است.

رئیس شعبه ۵۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه

رأی بدوی

درخصوص دعوی م.الف. به وکالت م.الف. به طرفیت ا.بانک ک. شعبه ... ۲- بانک ک. به مدیریت شعب تهران بزرگ به خواسته الزام خواندگان به پرداخت ۱۹/۳۰۰/۰۰۰ ریال به انضمام خسارت دادرسی به استناد صورت حساب سپرده موکل از تاریخ ۹۰/۰۳/۱۱ لغایت ۹۰/۰۷/۲۴ و فتوکپی گزارش بانک ک. شعبه ... مبنی بر خروج وجه از حساب به موجب جعل چک بدین شرح، شخصی با هویت جعلی به نام م.پ. فرزند م. اقدام به افتتاح حساب نزد بانک ک. شعبه ... نموده است و موکل با مراجعه به حساب خود

متوجه می‌شود که مبلغ ۱۹/۳۰۰/۰۰۰ تومان از حسابش کسر گردیده که با پیگیری و استعلام حساب متوجه می‌شود که شخصی به نام م.پ. این مبلغ را به موجب دو فقره چک به شماره ... به مبلغ نود و پنج میلیون ریال و ... به مبلغ نود و هشت میلیون ریال از حساب وی برداشت کرده است و از آنجایی که موکل چنین چکی را صادر نکرده بود و حتی شماره چک‌های مذکور در دسته چک وی بوده است متوجه وقوع جعل می‌شود و همین شخص وقتی فردای همان روز به شعبه ... مراجعه می‌کند و چک مجعول دیگری به شماره ... به مبلغ ۶۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارائه می‌دهد به محض اینکه کارمند بانک متوجه مجعول بودن چک می‌شود نامبرده شعبه را ترک و متواری می‌شود که حراست بانک مراتب فوق را تأیید نموده و کارمند بانک به راحتی جعلی بودن چک را تشخیص می‌دهد که این نشان دهنده قصور و سهل‌انگاری کارمندان بانک خواهد بود. نماینده خواننده در مقام دفاع ضمن ایراد به اینکه خواهان اصول چک‌ها را ارائه ننموده بیان داشته بر طبق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی بر فرض اینکه کارمند بانک دچار اشتباه و بی‌احتیاطی شده باشد شخصاً مسئول جبران خسارات خواهند بود و دولت مسئول پرداخت خسارت نخواهد بود، در ثانی چک‌های ارائه شده اصل بوده و امضای صاحب حساب در حد عرف بانکداری با نمونه امضای ثبت شده در کارت نمونه امضای سیستم مطابقت داشته و در شرایط قراردادی افتتاح حساب قرض الحسنه و جاری ذکر شده است، کارمند بانک در حد عرف بانکداری مسئول تشخیص اصالت چک و مطابقت امضای چک با نمونه امضای صاحب حساب می‌باشد و جعلی بودن چک از سوی بانک قابل قبول نبوده و جدا از انکار نوشته مزبور مستند ماده ۲۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی اقرار وکیل بر علیه موکل پذیرفته نیست، دادگاه با رد ایراد نماینده بانک به لحاظ اینکه اصول چک‌ها جزو مستندات نبوده است مدافعات وکیل خواهان را درخور پذیرش نمی‌داند زیرا کارشناس و مسئول امور حراست بانک در نامه شماره ۱۱۰/۲/۴۸۴۳ مورخ ۹۰/۰۸/۰۳ به فرماندهی پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ و بانک ک. شعبه ... در نامه شماره ۸۸۲/۵۴۱ مورخ ۹۰/۰۷/۲۴ به بازرسی مدیریت محترم شعب بانک در شهر تهران مراتب جعلیت و کلاهبرداری را تأیید نموده‌اند و در نتیجه سهل‌انگاری کارمندان و متصدیان بانک در پرداخت وجه محرز و مسلم است زیرا شخص برداشت کننده با چک جعلی توانسته وجوه مذکور را از حساب خواهان برداشت کند و در نتیجه بر طبق بند ج ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی کشور، هر بانک در مقابل خساراتی که در اثر عملیات آن متوجه مشتریان می‌شود مسئول و متعهد جبران خواهد بود و همچنین چنانچه بر اثر اهمال یا قصور بانک یا عدم رعایت اصول ایمنی و نگهداری اسناد و مدارک یا نقل و انتقال آنها به هر نحو ممکن خساراتی متوجه مشتریان گردد، آن بانک مسئول و متعهد جبران خسارات وارده به مشتری خواهد بود. بدیهی است چنانچه خسارات وارده ناشی از قصور هر یک از کارکنان باشد، بانک موظف است بدواً به پرداخت خسارت اقدام و متعاقباً نسبت به تعقیب قضایی و وصول خسارت وارده از کارمند خاطی اقدام نماید. به هر حال ورود خسارت از طرف کارکنان رافع مسئولیت بانک در قبال مشتریان نخواهد بود و قصور و تعدی و تفریط کارکنان بانک منصرف از ماده ۱۱ قانون

مسئولیت مدنی خواهد بود، علی‌هذا دادگاه دعوی خواهان را وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی خواننده را به پرداخت مبلغ ۱۹/۳۰۰/۰۰۰ ریال اصل خواسته و مبلغ ۳/۹۰۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی و مبلغ ۵/۸۳۲/۰۰۰ ریال بابت حق الوکاله وکیل در حق خواهان صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره حضوری و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

رئیس شعبه ۱۸۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران - نیک‌بخش

رای دادگاه تجدید نظر

در خصوص تجدیدنظرخواهی بانک ک. به طرفیت آقای م.الف. نسبت به دادنامه شماره ۹۰۰۴۶۷ مورخ ۹۱/۵/۲۸ صادره از شعبه ۱۸۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران که به موجب آن حکم بر محکومیت تجدیدنظرخواه به پرداخت مبلغ ۱۹/۳۰۰/۰۰۰ ریال بابت برداشت از حساب تجدیدنظرخواننده با دو فقره چک جعلی و پرداخت خسارات دادرسی در حق تجدیدنظرخواننده صادر گردیده است. اکنون با بررسی محتویات پرونده و مذاقه در اوراق آن، نظر به این‌که بنا به آنچه که در پرونده احراز گردیده مبلغ نوزده میلیون و سیصد هزار تومان طی دو مرحله و با دو فقره چک جعلی از حساب آقای م.الف. برداشت شده و اصول چک‌های شماره ۴۹۷۹۴۸ و ۴۹۷۹۴۹ نیز در دسته چک و نزد صاحب حساب می‌باشد و قصور بانک در عدم دقت و عدم تشخیص جعلیت چک محرز است و باید خسارت وارده را جبران نماید، کارمند بانک تحت امر و اختیار و مستخدم بانک است و اصل بر آن است که آموزش‌های لازم را در برخورد با این‌گونه مسائل دیده و بانک در مراجعه به کارمند خاطی مختار است و خطای کارمند مسئولیت بانک را در مقابل مشتری بری نمی‌نماید. از جهتی رأی تجدیدنظرخواسته با استدلال صحیح و رعایت مقررات قانونی و اصول و قواعد دادرسی صادر اما مبلغ خواسته نوزده میلیون و سیصد هزار تومان بوده که نوزده میلیون و سیصد هزار ریال قید گردیده که به تجویز ماده ۳۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی ضمن اصلاح آن به ۱۹۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال دادنامه معترض‌ عنه تأیید می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

نتیجه گیری:

در غالب موارد خسارات وارده از سوی بانک به عنوان کارفرما ناشی از تعلیمات نادرست و عدم ارائه اطلاعات و آموزش کافی به پرسنل تحت سرپرستی است. در این شرایط هیچ تردیدی در مسئولیت مدنی بانک به عنوان کارفرما به استناد ماد ۱۲ ق.م.م و یا قاعده اتلاف در قانون مدنی که سابقاً بحث شد باقی نمی‌ماند.

ماده ۱۱ ق.م.م بیانگر این واقعیت است که اثبات و تحمیل مسئولیت به دولت، شهرداری ها، موسسات وابسته به آنها دشوارتر از آن چیزی است که در مورد کارفرمایان مشمول قانون کار بررسی گردید. این امر تکلیف بانک دولتی را در مواردی که همچون عوامل و کارمندان یکی از دستگاه های دولتی، یا موسسات وابسته به شهرداری منجر به خسارت به مشتری از هر قبیل مشتری درخواست کننده خدمات، مشتری اعتباری و ... دشوار می سازد.

منابع و ماخذ:

- باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، انتشارات میزان، سال ۱۳۹۵
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، سال ۱۳۶۷
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، انتشارات اسلامیه، سال ۱۳۸۷
- صادقی مقدم، محمد حسن، نوری، جعفر، تحول مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فرانسه با تاکید بر شناسایی خسارات ترمیمی، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳، سال ۱۳۹۰
- امینی، عیسی، نوعی، الیاس، قواعد عام مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان با نگاهی به حقوق ایران، مجله دادگستر، شماره ۵، سال ۱۳۹۲
- میرشکاری، عباس، مسئولیت مدنی بانک، فصلنامه رای، شماره ۲، سال ۱۳۹۲
- السان، مصطفی، حقوق بانکداری اینترنتی، پژوهشکده پولی و بانکی، سال ۱۳۹۲
- مقدادی، علی، مسئولیت مدنی کارمندان بانک، مجله حقوق مدنی، شماره ۱۳، سال ۱۳۹۰
- سادات اخوی، سید محسن، کاشانی، محمود، تکلیف زیان‌دیده به کاستن از خسارت با تاکید بر حقوق انگلیس و آمریکا، مجله قضاوت، شماره ۲۱، سال ۱۳۹۰
- نصیری، هدیه، پذیرش خطر در مسئولیت مدنی در حقوق ایران، دانشگاه علامه طباطبایی، سال ۱۳۹۰